

«نسخه نهایی»

بررسی رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بانک‌ها

ترجمه رهنمود کمیته بال

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معاونت تنظیم‌گری و نظارت

اداره ارزیابی و راهبردهای نظارتی



مهر ۱۴۰۵

شناسنامه گزارش

بررسی رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بانکها	عنوان گزارش
معاونت تنظیم‌گری و نظارت	کارفرما
اداره ارزیابی و راهبردهای نظارتی	تهیه‌کننده گزارش
دکتر محمد ولی‌پور پاشاه، محمد حسنی	مترجمان
دکتر شیرین صلوی تبار	ناظر داخلی گزارش

پیشگفتار

این مقاله با همکاری کمیته بین‌المللی رویه‌های حسابرسی^۱ متعلق به فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۲، تهیه شده و انتشار آن توسط کمیته بال و کمیته بین‌المللی رویه‌های حسابرسی مورد تأیید قرار گرفته است. بانکها نقش مهمی در حیات اقتصادی ایفا می‌کنند و استحکام^۳ و ثبات پایدار نظام بانکی موضوعی است که مورد توجه افکار عمومی قرار دارد. در این زمینه، نقش جداگانه ناظران بانکی و حسابرسان مستقل، از اهمیت بالایی برخوردار است و پیچیدگی روزافزون فعالیت بانکی ایجاب می‌کند که تفاهم متقابل بیشتر و در صورت لزوم، ارتباط قوی‌تری میان ناظران بانکی و حسابرسان مستقل برقرار شود.

هدف از تهیه این مقاله، ارائه اطلاعات و راهنمایی درباره چگونگی تقویت رابطه بین حسابرسان و ناظران بانکی است به گونه‌ای که به نفع هر دو طرف باشد. علاوه بر این، این مقاله اصول اساسی کمیته بال برای نظارت بانکی کارآمد را مدنظر قرار داده، اما ممکن است به‌طور کامل برای همه کشورها قابل اجرا نباشد، زیرا ماهیت این رابطه از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با این وجود، کمیته بال و کمیته بین‌المللی رویه‌های حسابرسی امید دارند که این مقاله رهنمود مفیدی را در خصوص نقش ناظران بانکی و حسابرسان مستقل به بسیاری از کشورهایی ارائه دهد که در آنها، دو گروه مذکور دارای ارتباط نزدیکی هستند و یا رابطه بین آنها در حال بررسی است.

-
1. International Auditing Practices Committee (IAPC)
 2. International Federation of Accountants (IFAC)
 3. Strength





مقدمه مترجمان

امروزه، ثبات و سلامت شبکه بانکی به‌عنوان شریان حیاتی اقتصاد ایران، بیش از هر زمان دیگری به نظارت کارآمد و جامع، وابسته است. تجربه بحران‌های مالی در سطوح جهانی نشان داده است که شکاف اطلاعاتی یا عدم هماهنگی میان نهادهای نظارتی، می‌تواند به ناتوانی در شناسایی به‌موقع مخاطرات و در نتیجه، بروز بی‌ثباتی‌های سیستمی منجر شود. در این میان، دو رکن اساسی یعنی «حسابرسان مستقل» و «ناظران بانکی»، اگرچه از منظر قانونی و اجرایی، وظایف متفاوتی را بر عهده دارند، اما در اهداف غایی با یکدیگر اشتراک‌نظر دارند. این اهداف عبارتند از: ارتقای شفافیت، اطمینان از سلامت مالی مؤسسات اعتباری و حفاظت از منافع سپرده‌گذاران و ذینفعان.

سند حاضر با عنوان «بررسی رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بانکها»، ماحصل ترجمه یکی از اسناد منتشره توسط کمیته نظارت بانکی بال در ژانویه ۲۰۰۲^۵ بوده که طی آن تلاش شده است مرزها، تعاملات و زمینه‌های همکاری مشترک میان ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بانکها تبیین شود.

این ترجمه با هدف در دسترس قراردادن چارچوبی منسجم برای متخصصان حوزه بانکداری، حسابرسان، اعضای کمیته‌های حسابرسی مؤسسات اعتباری و سیاست‌گذاران و ناظران بانکی تهیه شده است. در متن پیش‌رو، بر اهمیت گفت‌وگوی مداوم، تبادل اطلاعات و درک متقابل از نقش‌ها تأکید شده است؛ موضوعی که در فضای کنونی نظارت بانکی کشور، به‌ویژه در راستای استقرار استانداردهای نوین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

امید است انتشار این اثر، گامی کوچک در جهت تقویت فرهنگ نظارت و حسابرسی در شبکه بانکی کشور باشد و زمینه تعاملات سازنده‌تر میان ناظران و حسابرسان مستقل را فراهم آورد تا از این رهگذر، پایداری و سلامت نظام بانکی کشور بیش از پیش تضمین شود.

در پایان، از کلیه اساتید، صاحب‌نظران و همکاران گرامی تقاضا داریم با ارائه نظرات و پیشنهادات سازنده خود، ما را در بهبود کیفیت این اثر یاری نمایند. همچنین لازم می‌داند، از مساعدت و همکاری ارزشمند تمام سروران ارجمندی که با حمایت خود، امکان انجام ترجمه و انتشار این اثر را در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی فراهم ساختند، به ویژه همکاران محترم اداره روابط عمومی بانک مرکزی، قدردانی نماییم.

محمد ولی‌پور پاشاه

محمد حسنی

مهر ۱۴۰۵

4. The relationship between banking supervisors and banks' external auditors; 2002. (bcbs87)

۵. ترجمه این نسخه از سند «رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بانکها» طبق بند ۴ صورتجلسه کارگروه مؤسسات حسابرسی منتخب بانک مرکزی انجام شده است و پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان به این موضوع، نسخه اصلاحی پس از آن را نیز مطالعه نمایند.





فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
مقدمه مترجمان	۲
مقدمه گزارش	۴
مسئولیت هیأت‌مدیره و مدیریت بانک	۵
نقش حسابرس مستقل بانک	۷
نقش ناظر بانکی	۱۲
رابطه بین ناظر بانکی و حسابرس مستقل	۱۶
درخواست‌های تکمیلی از حسابرس مستقل برای مشارکت در فرآیند نظارتی	۲۰
ضرورت گفت‌وگوی مستمر میان ناظران بانکی و متخصصان حرفه حسابداری	۲۲





مقدمه گزارش

۱. بانک‌ها نقش محوری در اقتصاد ایفا می‌کنند. آن‌ها نگهدارنده پس‌اندازهای مردم هستند، ابزار پرداخت بهای کالاها و خدمات را فراهم می‌آورند و توسعه کسب‌وکار و تجارت را تأمین مالی می‌کنند. برای انجام این وظایف به‌گونه‌ای ایمن و کارآمد، هر بانک باید اعتماد عموم و اعتماد طرف‌های تجاری خود را جلب کند. از این رو، ثبات نظام بانکی، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، به‌عنوان موضوعی شناخته شده از نظر منفعت عمومی جامعه است و از این لحاظ دارای اهمیت می‌شود. این منفعت عمومی به این شکل بازتاب می‌یابد که بانک‌ها تقریباً در همه کشورها، برخلاف سایر بنگاه‌های تجاری، تحت نظارت احتیاطی بانک‌های مرکزی یا نهادهای رسمی خاص قرار دارند.

۲. صورت‌های مالی بانک‌ها نیز مشمول حسابرسی توسط حسابرسان مستقل قرار می‌گیرد. در این راستا حسابرس مستقل، اقدامات حسابرسی را مطابق با اصول اخلاقی و استانداردهای حسابرسی قابل اجرا، انجام می‌دهد که شامل الزاماتی درباره استقلال، بی‌طرفی، صلاحیت حرفه‌ای و مراقبت‌های لازم در کنار برنامه‌ریزی و نظارت کافی، است. اظهارنظر حسابرس، به صورت‌های مالی اعتبار می‌بخشد و اعتماد به نظام بانکی را تقویت می‌نماید.

۳. با افزایش پیچیدگی فعالیت‌های بانکی، در سطوح ملی و بین‌المللی، وظایف ناظران بانکی و حسابرسان مستقل بیش از پیش دشوار می‌شود. به همین دلیل، ناظران بانکی و حسابرسان مستقل از بسیاری جهات با چالش‌های مشابهی مواجه‌اند و نقش آن‌ها، بیشتر از قبل، مکمل یکدیگر تلقی می‌شود. ناظران بانکی نه تنها از نتایج کار حسابرسان بهره‌مند می‌شوند، بلکه ممکن است در مواردی که انجام وظایف اضافی به ایفای نقش نظارتی آن‌ها کمک می‌کند نیز به حسابرسان مستقل مراجعه کنند. همزمان، حسابرسان مستقل نیز در ایفای نقش خود، به دنبال اطلاعاتی از ناظران بانکی هستند که بتواند به آنها در انجام مؤثرتر مسئولیت‌های خود یاری رساند.

۴. کمیته بین‌المللی رویه‌های حسابرسی و کمیته بال بر این باورند که تفاهم متقابل بیشتر درباره نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به ناظران بانکی و حسابرسان مستقل و در موارد لزوم، ارتباط بین آن‌ها، اثربخشی حسابرسی صورت‌های مالی بانک‌ها و نظارت را به نفع هر دو حرفه بهبود می‌بخشد.

۵. نقش‌ها و مسئولیت‌های «هیأت‌مدیره»^۶ و «مدیریت بانک»، حسابرسان مستقل بانک و ناظران بانکی در کشورهای مختلف، برخاسته از قانون، عرف و در مورد حسابرسان مستقل، مطابق با رویه‌های حرفه حسابداری است. هدف از تهیه این مقاله به چالش کشیدن یا تغییر این نقش‌ها یا مسئولیت‌ها نیست. بلکه هدف از این اقدام، دستیابی به درک بهتری از ماهیت نقش‌های هیأت‌مدیره و مدیریت بانک، حسابرسان مستقل، و ناظران

۶. استفاده از مفاهیم «هیأت‌مدیره» و «مدیریت» در این بخش، با هدف تفکیک ساختارهای حقوقی انجام نگرفته است، بلکه مقصود از انجام آن، مشخص کردن دو کارکرد تصمیم‌گیری در یک بانک می‌باشد. بر اساس واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (ISA)، «مدیریت» شامل مدیران اجرایی و سایر افرادی است که وظیفه مدیریت ارشد را بر عهده دارند. اصول اساسی بال به وظایف «هیأت‌مدیره» اشاره می‌کند تا از این طریق وظایف مسئولان رده حاکمیتی بانک را توصیف کند. اصول مطرح‌شده در این مقاله باید مطابق با ساختار حاکمیت شرکتی هر کشور که بانک در آن مستقر است، اعمال شود. برای کسب اطلاعات بیشتر به مقاله کمیته بال با عنوان «تقویت حاکمیت شرکتی برای سازمان‌های بانکی» که در سپتامبر ۱۹۹۹ منتشر شده، رجوع شود.





بانکی است، زیرا برداشت‌های نادرست درباره چنین نقش‌هایی می‌تواند منجر به اتکای نامناسب یکی از نقش‌های مذکور بر ایفای نقش دیگری گردد. این مقاله در پی رفع برداشت‌های نادرست احتمالی است و پیشنهاد می‌دهد که هر یک از طرفین چگونه می‌تواند از اقدامات انجام‌شده توسط طرف دیگر، استفاده مؤثرتری داشته باشد. بر این اساس، این مقاله در نظر دارد:

- (الف) مسئولیت اصلی هیأت‌مدیره و مدیریت را تبیین نماید (بندهای ۸ تا ۱۳)؛
- (ب) ویژگی‌های اساسی نقش حسابرسان مستقل را بررسی کند (بندهای ۱۴ تا ۲۷)؛
- (ج) ویژگی‌های اساسی نقش ناظران بانکی را بررسی کند (بندهای ۲۸ تا ۴۵)؛
- (د) رابطه بین ناظر بانکی و حسابرس مستقل بانک را مورد بازبینی قرار دهد (بندهای ۴۶ تا ۵۵)؛
- (هـ) شیوه‌های تکمیلی که حسابرسان مستقل و حسابداران می‌توانند از طریق آن‌ها به فرآیند نظارتی کمک کنند، را توصیف نماید (بندهای ۵۶ تا ۷۰).

۶. کمیته بال در سپتامبر ۱۹۹۷ اصول اساسی خود برای نظارت بانکی کارآمد را با عنوان «اصول اساسی بال» منتشر کرد. هدف از اصول اساسی بال (که در ارزیابی کشورها توسط سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مورد استفاده قرار می‌گیرد) آن است که به‌عنوان یک مرجع پایه برای نظام نظارتی کارآمد در سطح بین‌المللی و در همه کشورها عمل کند. بنابراین، این مقاله با در نظر گرفتن اصول اساسی بال تهیه شده است.

۷. این مقاله با آگاهی کامل از تفاوت‌های موجود در چارچوب‌های نهادی و مقررات‌گذاری ملی و به طور خاص در استانداردهای حسابداری، فنون نظارتی و سطحی که در آن حسابرسان مستقل در حال حاضر وظایفی را به درخواست ناظران بانکی برعهده گرفته و انجام می‌دهند، تهیه شده است. در حال حاضر، روابط ناظران بانکی و حسابرسان مستقل در برخی کشورها در سطحی نزدیک‌تر از آنچه در این مقاله بیان شده، برقرار است. ترتیبات پیشنهادی در این مقاله جایگزین روابط موجود نمی‌شود، این در حالی است که این مقاله در نظر ندارد جنبه دستوری داشته باشد و امید می‌رود رهنمودهای بیان‌شده در آن با تمام موقعیت‌ها مرتبط باشد، هرچند که طبیعتاً در برخی کشورها نسبت به سایر کشورها کاربرد بیشتری خواهد داشت.

مسئولیت هیأت‌مدیره و مدیریت بانک

۸. مسئولیت اصلی هدایت و اداره فعالیت‌های بانک بر عهده هیأت‌مدیره و مدیریت منصوب‌شده از سوی آن است. این مسئولیت حصول اطمینان از موارد زیر را شامل می‌شود:

- افرادی که وظایف بانکی به آنان سپرده شده است باید دارای تخصص و صداقت کافی باشند و از تجربه کافی به منظور تصدی مناصب کلیدی برخوردار باشند؛
- سیاست‌ها، رویه‌ها و فرآیندهای مناسب مرتبط با فعالیت‌های مختلف بانک تدوین و رعایت شوند، که شامل موارد زیر است:

- ترویج استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای بالا؛
- سیستم‌هایی که همه ریسک‌های با اهمیت را به‌درستی شناسایی و اندازه‌گیری و آنها را به‌طور کامل پایش و کنترل نمایند؛





- کنترل‌های داخلی، ساختارهای سازمانی و رویه‌های حسابداری کافی؛
- ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و شناسایی و اندازه‌گیری صحیح آن‌ها؛
- قواعد «شناسایی مشتریان» که مانع از سوءاستفاده عمدی یا غیرعمدی عناصر مجرمانه از بانک شود؛
- اتخاذ محیط کنترلی مناسب، با هدف تحقق اهداف عملکردی، اطلاعاتی و تطبیقی بانک؛
- سنجش انطباق و ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی توسط واحد حسابرسی داخلی؛
- سیستم‌های اطلاعات مدیریتی مناسب ایجاد شود؛
- بانک دارای سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت ریسک مناسب باشد؛
- دستورالعمل‌های قانونی و مقرراتی، از جمله دستورالعمل‌های مربوط به توانگری مالی و نقدینگی، رعایت شود؛
- نه تنها منافع سهامداران، بلکه منافع سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران نیز به اندازه کافی مورد حمایت قرار گیرد.

۹. مدیریت، مسئول تهیه صورت‌های مالی مطابق با چارچوب گزارشگری مالی مناسب و برقراری رویه‌های حسابداری است که امکان نگهداری مستندات کافی برای پشتیبانی از صورت‌های مالی را فراهم می‌آورد. این مسئولیت شامل کسب اطمینان از این موضوع است که حسابرس مستقلی که صورت‌های مالی را بررسی و درباره آن‌ها گزارش می‌دهد، دسترسی کامل و بدون مانع به همه اطلاعات لازم را داشته باشد و این اطلاعات به‌نحوی در اختیار او قرار گیرد که بتواند به‌طور مؤثرتری بر صورت‌های مالی مذکور و در نتیجه بر گزارش حسابرس درباره آن‌ها اثرگذار باشد.^۷ همچنین مدیریت، مسئولیت دارد تمام اطلاعاتی را در اختیار نهادهای نظارتی قرار دهد که نهادهای مذکور به موجب قانون یا مقررات، حق دریافت آن را دارند.

۱۰. در بسیاری از کشورها، کمیته‌های حسابرسی به‌منظور رفع مشکلات عملی^۸ تشکیل شده‌اند که ممکن است در انجام وظیفه هیأت‌مدیره برای حصول اطمینان از وجود و حفظ نظام مناسب کنترل‌های داخلی بروز کند. علاوه بر این، چنین کمیته‌ای هم نظام کنترل داخلی و هم عملکرد واحد حسابرسی داخلی را تقویت می‌کند. به‌منظور تقویت اثربخشی کمیته حسابرسی، باید به حسابرسان داخلی و مستقل اجازه داده شود تا در جلسات کمیته حسابرسی حضور یابند و آنان را برای انجام این اقدام، تشویق نمایند. برگزاری منظم جلسات کمیته حسابرسی با حسابرسان داخلی و مستقل، به تقویت استقلال حسابرسان مستقل و اعتبار حسابرسان داخلی کمک می‌کند و کمیته حسابرسی را در ایفای نقش کلیدی خود در تقویت حاکمیت شرکتی یاری می‌رساند. در برخی کشورها، قانون یا مقررات، برگزاری چنین جلساتی را الزامی می‌داند.

۱۱. مدیریت در صورت الزام هیأت‌مدیره، قانون یا مقررات مربوطه، مسئول ایجاد و پیاده‌سازی مؤثر واحد حسابرسی داخلی دائمی در بانک، متناسب با اندازه و ماهیت عملیات آن، می‌شود. این واحد بخشی از پایش

۷. در برخی کشورها، شعب بانک‌های خارجی تنها ملزم به ارائه اطلاعات مالی (از جمله صورت‌های مالی خلاصه‌شده) می‌باشند که مطابق با سیاست‌های حسابداری گروه یا مقررات ملی تهیه شده‌اند. این اطلاعات مالی ممکن است مشمول الزام حسابرسی مستقل باشد یا نباشد. رهنمود موجود در این مقاله به‌شکلی مناسب و عملیاتی برای چنین حسابرسی‌های مستقلی نیز قابل اجرا است.





مستمر نظام کنترل‌های داخلی را بر عهده خواهد داشت، زیرا ارزیابی کفایت و رعایت سیاست‌ها و رویه‌های مقرر بانک و حصول اطمینان از کفایت، می‌تواند اثربخشی و پایداری رویه‌ها و زیرساخت‌های کنترل و مدیریت ریسک بانک را به‌طور مستقل از افرادی که مسئولیت روزمره رعایت سیاست‌ها و رویه‌های مذکور را بر عهده دارند، فراهم آورد. مدیریت در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، باید تمامی تدابیر لازم را برای کسب اطمینان از وجود یک واحد حسابرسی داخلی دائمی و کافی اتخاذ کند.

۱۲. واحد حسابرسی داخلی به منظور اثربخشی کامل، باید مستقل از فعالیت‌های سازمانی عمل کند که آن را مورد حسابرسی یا بازبینی قرار می‌دهد. همچنین باید از فرآیند کنترل داخلی روزانه نیز مستقل باشد. هر فعالیت و هر بخش، شرکت تابعه یا مؤلفه دیگر بانک باید در محدوده بازبینی واحد حسابرسی داخلی قرار گیرد. در مجموع، صلاحیت حرفه‌ای هر یک از حسابرسان داخلی و واحد حسابرسی داخلی، برای انجام صحیح وظایف محوله ضروری بوده و از این‌رو، واحد حسابرسی داخلی باید به اندازه کافی با افراد دارای مهارت و صلاحیت فنی مناسب که با مسئولیت‌های عملیاتی فاصله دارند، تجهیز شود. واحد حسابرسی داخلی باید به‌طور منظم به هیأت‌مدیره و مدیریت درباره عملکرد نظام‌های کنترل داخلی و مدیریت ریسک و درباره دستیابی به اهداف واحد حسابرسی داخلی گزارش دهد. مدیریت باید رویه‌ای را اتخاذ و تصویب نماید که از بررسی و در صورت اقتضاء، اجرای توصیه‌های واحد حسابرسی داخلی اطمینان حاصل کند.

۱۳. مسئولیت‌های هیأت‌مدیره و مدیریت به هیچ‌وجه با ایجاد مجموعه منظم برای نظارت بر بانک‌ها توسط ناظران بانکی یا با الزام حسابرسی صورت‌های مالی بانک توسط حسابرس مستقل کاهش نمی‌یابد.

نقش حسابرس مستقل بانک

۱۴. هدف از حسابرسی صورت‌های مالی بانک توسط حسابرس مستقل، این است که حسابرس مستقل بتواند درباره اینکه «آیا صورت‌های مالی بانک، از تمامی جنبه‌های با اهمیت مطابق با یک چارچوب گزارشگری مالی مشخص تهیه شده‌اند یا خیر»، اظهارنظر کند. صورت‌های مالی معمولاً مطابق با چارچوب گزارشگری مالی کشوری که بانک در آن دفتر مرکزی دارد^۹ و مطابق با هرگونه مقررات مرتبطی که توسط نهادهای مقرراتی آن کشور وضع شده، تهیه می‌شوند. چارچوب‌های گزارشگری مالی ممکن است از کشوری به کشور دیگر تفاوت داشته باشند و نظام گزارشگری مالی برای بانک‌ها در هر کشور معین، ممکن است کاملاً متفاوت از نظام‌های سایر واحدهای تجاری باشد. از این‌رو، اظهارنظر حسابرس درباره صورت‌های مالی، بر حسب مقررات و چارچوب ملی قابل اجرا، بیان خواهد شد. صورت‌های مالی تهیه‌شده تحت چارچوب‌ها و مقررات متفاوت، ممکن است در عین حال که مطابق با الزامات ملی قابل اجرا هستند، تفاوت‌های قابل توجهی نیز با یکدیگر داشته باشند. به همین دلیل، استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۷۰۰ (ISA700) یعنی «گزارش حسابرس درباره صورت‌های مالی»، حسابرس را ملزم می‌کند در مواردی که چارچوب گزارشگری مالی مورد استفاده

۹. در برخی کشورها، گزارش‌دهی مطابق با استانداردهای حسابداری موردپذیرش بین‌المللی مجاز است، که مواردی از قبیل آنچه توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری منتشر یا پذیرفته شده را نیز دربرمی‌گیرد.





برای تهیه صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری نباشد، کشور مبدأ، آن چارچوب گزارشگری مالی را مشخص نماید.

۱۵. گزارش حسابرس مستقل به‌گونه‌ای مناسب و بر اساس اقتضائات کار حسابرسی، معمولاً خطاب به سهامداران یا به هیأت‌مدیره ارائه می‌شود. با این حال، این گزارش ممکن است در دسترس بسیاری از طرف‌های دیگر مانند سپرده‌گذاران، سایر بستانکاران و ناظران نیز قرار گیرد. هرچند که اظهارنظر حسابرس به احراز اعتبار صورت‌های مالی کمک می‌کند، با این حال، اظهارنظر حسابرس نباید به‌عنوان تضمینی درباره تداوم فعالیت آتی بانک یا اظهارنظری درباره کارایی یا اثربخشی مدیریت در اداره امور بانک، تفسیر شود؛ زیرا موارد ذکر شده جزء اهداف انجام عملیات حسابرسی نیستند.

۱۶. حسابرس رویه‌های حسابرسی را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند که ریسک ارائه اظهارنظر حسابرسی نامناسب را در مواردی که صورت‌های مالی به‌طور عمدتاً دارای اشتباهاتی است، به سطح پایین قابل‌قبولی کاهش دهد. حسابرس، ریسک ذاتی بروز اشتباهات مهم (ریسک ذاتی) و ریسک اینکه نظام‌های حسابداری و کنترل داخلی واحد تجاری نتواند از اشتباهات مهم به‌موقع جلوگیری یا آن‌ها را کشف و اصلاح نماید (ریسک کنترل) را ارزیابی می‌کند. حسابرس ریسک کنترل را بالا ارزیابی می‌کند، مگر اینکه بتواند کنترل‌هایی را شناسایی کند که احتمالاً از بروز اشتباهات عمده جلوگیری کرده یا آن را کشف و اصلاح نماید و آزمون‌هایی از کنترل‌هایی را انجام می‌دهد که از ارزیابی پایین‌تری از ریسک کنترل پشتیبانی کند. حسابرس بر مبنای ارزیابی ریسک ذاتی و ریسک کنترل، رویه‌های محتوایی^{۱۰} را برای کاهش ریسک کلی حسابرسی به سطح پایین قابل‌قبول به اجرا در می‌آورد.

۱۷. حسابرس چگونگی امکان بروز اشتباهات عمده در صورت‌های مالی را بررسی می‌کند و این نکته را در نظر می‌گیرد که آیا عوامل ریسک تقلب بروز پیدا کرده که نشان‌دهنده احتمال گزارشگری مالی متقلبانه یا سوءاستفاده از دارایی‌ها باشد یا خیر. حسابرس رویه‌های حسابرسی را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند تا ریسک عدم کشف اشتباهات ناشی از تقلب و خطا در کل صورت‌های مالی، به سطح پایین قابل‌قبولی کاهش یابد. در این راستا، استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۲۴۰ (ISA240) با عنوان «مسئولیت حسابرس در بررسی تقلب و خطا در حسابرسی صورت‌های مالی»، عوامل ریسک تقلب را به صورت یک فهرست ارائه می‌کند که وجود آن‌ها ممکن است حسابرس را نسبت به احتمال وجود تقلب هوشیار سازد. در برخی کشورها، هنگامی که حسابرس وجود شواهدی از تقلب را تشخیص دهد، موظف به افشا و در اختیار قرار دادن این اطلاعات به ناظر بانک می‌باشد.

۱۸. در انجام حسابرسی صورت‌های مالی بانک، حسابرس مستقل این نکته را در نظر دارد که بانک‌ها با ویژگی‌های زیر، عموماً از بیشتر بنگاه‌های تجاری دیگر متمایز بوده و این ویژگی‌ها را در ارزیابی سطح ریسک ذاتی مدنظر قرار می‌دهد:

- بانک‌ها نگهدارنده مبالغ کلانی از ارقام پولی، از جمله وجه نقد و اسناد تجاری قابل معامله هستند که امنیت فیزیکی آن‌ها باید در طی نقل و انتقال و در دوران نگهداری ارقام پولی مذکور تأمین شود. آن‌ها همچنین مسئولیت حفظ و کنترل ابزارهای قابل معامله و سایر دارایی‌ها را بر عهده دارند که

10. Substantive procedures





به آسانی به صورت الکترونیکی قابل انتقال هستند. در چنین شرایطی، ویژگی‌های نقدشوندگی این ارقام، بانک‌ها را در معرض سوءاستفاده و تقلب، آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین بانک‌ها نیازمند برقراری رویه‌های عملیاتی رسمی، ایجاد محدودیت‌های مشخص برای صلاحدید فردی و سیستم‌های دقیق کنترل داخلی هستند.

- بانک‌ها اغلب در معاملاتی شرکت می‌کنند که از یک حوزه قضایی آغاز، در حوزه قضایی دیگری ثبت و در حوزه قضایی سومی مدیریت می‌شود.
- بانک‌ها با اهرم بسیار بالایی فعالیت می‌کنند (یعنی نسبت سرمایه به کل دارایی‌ها پایین است)، که آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر رویدادهای اقتصادی نامساعد افزایش داده و ریسک ورشکستگی را بالا می‌برد.
- بانک‌ها دارایی‌هایی را در اختیار و تملک خود دارند که ارزش آن‌ها می‌تواند به سرعت تغییر کرده و تعیین ارزش آن‌ها را دشوار سازد. در نتیجه، کاهش نسبتاً کوچکی در ارزش دارایی‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سرمایه آن‌ها و به طور بالقوه بر توانگری مالی مقرراتی آن‌ها داشته باشد.
- بانک‌ها عموماً بخش قابل توجهی از منابع مالی خود را از سپرده‌های کوتاه‌مدت (اعم از بیمه‌شده و بیمه‌نشده) تأمین می‌کنند. در این چارچوب از دست رفتن اعتماد سپرده‌گذاران به توانگری مالی بانک می‌تواند به سرعت به بحران نقدینگی بینجامد.
- بانک‌ها در قبال دارایی‌های متعلق به اشخاص دیگر که در اختیار دارند، دارای وظایف امانی هستند. این امر می‌تواند مسئولیت‌های ناشی از نقض امانت را نیز به وجود آورد. بنابراین بانک‌ها نیازمند طراحی و برقراری رویه‌های عملیاتی و کنترل‌های داخلی جهت حصول اطمینان از به کارگیری دارایی‌های مذکور در صورت مطابقت شرایط انتقال آن دارایی‌ها به بانک می‌باشند.
- بانک‌ها در انجام حجم بالا و انواع گوناگون معاملاتی مشارکت می‌کنند که ارزش آن‌ها می‌تواند قابل توجه باشد. این امر مستلزم ایجاد سیستم‌های پیچیده حسابداری و کنترل داخلی و استفاده گسترده از فناوری اطلاعات (IT) می‌باشد.
- بانک‌ها معمولاً از طریق شبکه‌ای از شعب و بخش‌های پراکنده جغرافیایی فعالیت می‌کنند. این امر لزوماً موجب تمرکززدایی بیشتر اختیارات و پراکندگی وظایف حسابداری و کنترلی، همراه با دشواری‌های ناشی از آن در حفظ رویه‌های عملیاتی و سیستم‌های حسابداری یکسان می‌شود. این رویداد به‌ویژه زمانی پدید می‌آید که شبکه شعب از مرزهای ملی فراتر رود.
- معاملات اغلب می‌توانند مستقیماً توسط مشتری، بدون هیچ‌گونه مداخله کارکنان بانک، به عنوان مثال از طریق اینترنت یا از طریق دستگاه‌های خودپرداز (ATM)، آغاز و تکمیل شوند.
- بانک‌ها اغلب تعهدات قابل توجهی را بدون هیچ‌گونه انتقال اولیه وجوه، جز در برخی موارد پرداخت کارمزد، بر عهده می‌گیرند و این تعهدات ممکن است هر نوع ثبت حسابداری را شامل شوند. در نتیجه، تشخیص وجود آن‌ها ممکن است دشوار باشد.
- بانک‌ها توسط مقامات دولتی، تنظیم می‌شوند به طوریکه الزامات مقرراتی توسط مقامات مذکور اغلب بر اصول حسابداری که بانک‌ها از آن پیروی می‌کنند، اثر می‌گذارد. عدم رعایت الزامات مقرراتی یاد





شده مانند الزامات کفایت سرمایه، می‌تواند پیامدهایی برای صورت‌های مالی بانک یا موارد افشا مندرج در آن‌ها به همراه داشته باشد.

- روابط مشتری‌مداری که حسابرس، دستیاران، یا مؤسسه حسابرسی ممکن است با بانک داشته باشند، می‌تواند استقلال حسابرس را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که روابط مشابه با سایر سازمان‌ها چنین تأثیری بر استقلال او نخواهد داشت.
- بانک‌ها عموماً دسترسی انحصاری به نظام‌های تسویه و پایاپای چک‌ها و انتقال وجوه، معاملات ارزی و غیره دارند و بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام‌های تسویه ملی و بین‌المللی هستند که با آن‌ها پیوند دارند. در نتیجه می‌توانند ریسک‌های سیستمی برای کشورهایی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند، را ایجاد نمایند.
- بانک‌ها ممکن است ابزارهای مالی پیچیده‌ای منتشر کرده و مورد معامله قرار دهند، که برخی از آن‌ها ممکن است لازم باشد بر حسب ارزش منصفانه در صورت‌های مالی ثبت شوند. لذا نیازمند برقراری رویه‌های مناسب ارزش‌گذاری و مدیریت ریسک هستند. اثربخشی این رویه‌ها به مناسب بودن روش‌شناسی‌ها و مدل‌های ریاضی انتخاب‌شده، دسترسی به اطلاعات قابل اتکاء جاری و تاریخی بازار و حفظ یکپارچگی داده‌ها بستگی دارد.

۱۹. حسابرسی تفصیلی همه معاملات یک بانک نه تنها زمان‌بر و پرهزینه، بلکه غیرعملی نیز خواهد بود. از این‌رو حسابرس مستقل، حسابرسی را بر مبنای ارزیابی ریسک ذاتی اشتباهات عمده، ارزیابی ریسک کنترل و آزمون کنترل‌های داخلی برای جلوگیری از اشتباهات مذکور یا کشف و اصلاح آن‌ها طراحی می‌کند و همچنین حسابرسی را بر مبنای رویه‌های محتوایی انجام‌شده بر اساس نمونه‌گیری، استوار می‌سازد. چنین رویه‌هایی شامل یک یا چند مورد از جمله بازرسی، مشاهده، پرس‌وجو و تأییدیه، محاسبه و رویه‌های تحلیلی می‌باشد. به‌طور مشخص، حسابرس مستقل به قابلیت وصول و در نتیجه ارزش دفتری تسهیلات، سرمایه‌گذاری‌ها و سایر دارایی‌های نشان‌داده‌شده در صورت‌های مالی و به شناسایی و افشاء کافی همه تعهدات و بدهی‌های مهم، اعم از احتمالی یا غیر آن، در صورت‌های مالی توجه دارد.

۲۰. اگرچه حسابرس مستقل مسئولیت انحصاری گزارش حسابرسی و تعیین ماهیت، زمان‌بندی و دامنه رویه‌های حسابرسی را بر عهده دارد، اما بسیاری از اقدامات حسابرسی داخلی می‌تواند برای حسابرس مستقل در حسابرسی صورت‌های مالی مفید باشد. از این‌رو، حسابرس، به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های حسابرسی، واحد حسابرسی داخلی را تا آن حد که معتقد است در تعیین ماهیت، زمان‌بندی و دامنه رویه‌های حسابرسی مرتبط خواهد بود، ارزیابی می‌کند.

۲۱. استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۶۱۰ (ISA610)، با عنوان «استفاده از کار حسابرسان داخلی»، حسابرسان مستقل را ملزم می‌کند، در صورت وجود فعالیت‌های حسابرسان داخلی، تأثیر آن بر ماهیت، زمان‌بندی و دامنه رویه‌های حسابرس مستقل را در نظر بگیرند. حسابرس مستقل، در ارزیابی اقدامات این واحد، جایگاه سازمانی واحد حسابرسی داخلی، دامنه وظایف آن، صلاحیت فنی اعضای آن و مراقبت حرفه‌ای که به کار می‌برند را مدنظر قرار می‌دهد.

۲۲. قضاوت، در کل اقدامات حسابرس نافذ است و حسابرس از قضاوت حرفه‌ای در موارد زیر استفاده می‌کند:





- ارزیابی ریسک ذاتی و ریسک کنترل و ریسک وقوع اشتباهات عمده ناشی از تقلب و خطا؛
 - تصمیم‌گیری درباره ماهیت، زمان‌بندی و دامنه رویه‌های حسابرسی؛
 - ارزیابی نتایج اجرای رویه‌ها؛
 - ارزیابی معقول بودن قضاوت‌ها و برآوردهایی که مدیریت در تهیه صورت‌های مالی انجام داده است.
۲۳. حسابرس مستقل، حسابرسی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند تا از کشف اشتباهات موجود در صورت‌های مالی بانک، به صورت موردی یا کلی، اطمینان منطقی حاصل کند و این موارد در ارتباط با اطلاعات مالی مهم ارائه شده در آن صورت‌های مالی، دارای اهمیت می‌باشند. ارزیابی موارد حائز اهمیت، موضوعی است که به قضاوت حرفه‌ای حسابرس بازمی‌گردد و تحت تأثیر تصمیمات اقتصادی اتخاذ شده کاربران صورت‌های مالی بانک بر مبنای آن، خواهد بود. حسابرس، درجه اهمیت را هم در سطح کلی صورت‌های مالی و هم در ارتباط با مانده حساب‌های افراد، طبقه معاملاتی و موارد افشا شده، مدنظر قرار می‌دهد. اهمیت موارد ذکر شده ممکن است تحت تأثیر ملاحظات دیگری از قبیل الزامات قانونی و مقرراتی و ملاحظات مرتبط با مانده حساب‌های فردی در صورت‌های مالی و روابط آن‌ها قرار گیرد. این فرآیند ممکن است بسته به جنبه‌ای از صورت‌های مالی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، به سطوح اهمیت متفاوتی بینجامد. به همین ترتیب، درجه اهمیتی که حسابرس هنگام گزارش‌دهی درباره صورت‌های مالی بانک به کار می‌برد، ممکن است با درجه اهمیت مورد استفاده در تهیه گزارش‌های ویژه برای ناظران بانکی، متفاوت باشد. استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۳۲۰ (ISA320)، با عنوان «اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی»، این موضوع را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کند.
۲۴. حسابرس مستقل جهت اظهارنظر درباره صورت‌های مالی، رویه‌هایی را اجرا می‌کند که برای حصول اطمینان از این موضوع که صورت‌های مالی، از تمامی جنبه‌های مهم، مطابق با یک چارچوب گزارشگری مالی مشخص باشند، طراحی شده‌اند. عملیات حسابرسی، تضمینی برای کشف همه اشتباهات دارای اهمیت فراهم نمی‌آورد، زیرا عواملی از قبیل قضاوت، نمونه‌گیری، محدودیت‌های ذاتی کنترل داخلی و این واقعیت که بسیاری از شواهد در دسترس حسابرس، به جای قطعی بودن، از یک ماهیت اقناعی برخوردارند، مانع از چنین تضمینی است. ریسک عدم کشف اشتباهات دارای اهمیت ناشی از تقلب، بیشتر از ریسک عدم کشف اشتباهات دارای اهمیت ناشی از خطا است، زیرا تقلب ممکن است در بردارنده طرح‌های پیچیده و سازمان‌یافته‌ای جهت کتمان آن باشد، که از آن جمله می‌توان به جعل، عدم ثبت عمدی معاملات یا ارائه عمدی اطلاعات نادرست به حسابرس اشاره کرد. تلاش برای کشف پنهان‌کاری در صورت وجود تبانی ممکن است دشوارتر باشد. علاوه بر این، ریسک عدم کشف اشتباه مهم ناشی از تقلب مدیریت توسط حسابرس، بیشتر از تقلب کارکنان است، زیرا هیأت‌مدیره و مدیریت اغلب در جایگاهی قرار دارند که درست‌کاری آن‌ها به عنوان پیش‌فرض تلقی می‌شود که موجب می‌شود آن‌ها، رویه‌های کنترلی رسمی از پیش تعیین شده را زیر پا بگذارند. از این رو، حسابرس، عملیات حسابرسی را با نگرش «تردید حرفه‌ای» برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند و این احتمال را در نظر می‌گیرد که شرایطی وجود داشته باشد که موجب بروز اشتباهات دارای اهمیت در صورت‌های مالی شود.
۲۵. هنگامی که حسابرس به طور کلی یک اشتباه دارای اهمیت در صورت‌های مالی نظیر استفاده از یک رویه حسابداری نامناسب یا ارزش‌گذاری نادرست دارایی یا عدم افشای اطلاعات ضروری، را کشف می‌کند، از



مدیریت درخواست می‌کند تا صورت‌های مالی را برای اصلاح آن اشتباه تعدیل نماید. اگر مدیریت از انجام اصلاح یاد شده خودداری کند، حسابرس اظهارنظر مشروط یا مردود درباره صورت‌های مالی را منتشر می‌کند. چنین گزارشی می‌تواند تأثیر جدی بر اعتبار و ثبات بانک داشته باشد که به این دلیل مدیریت معمولاً تدابیر لازم برای جلوگیری از آن را اتخاذ می‌کند. به این ترتیب، در صورتی که مدیریت همه اطلاعات یا توضیحات مورد نیاز حسابرس را در اختیار او قرار ندهد، حسابرس وضعیت «اظهارنظر مشروط» یا «عدم اظهارنظر» را منتشر می‌کند.

۲۶. حسابرس مستقل معمولاً به‌عنوان بخش مکمل اما نه لزوماً جدایی‌ناپذیر از عملیات حسابرسی، اطلاعات معینی را به مدیریت انتقال می‌دهد. این اطلاعات به‌طور متعارف حاوی نظرات و نکاتی درباره مواردی از قبیل ضعف‌های دارای اهمیت در کنترل داخلی یا اشتباهاتی است که در جریان عملیات حسابرسی، توجه حسابرس را به خود جلب کرده، اما موجب تعدیل گزارش حسابرسی نمی‌شود (خواه به این دلیل که رویه‌های تکمیلی برای جبران ضعف در کنترل انجام شده باشد، یا به این دلیل که اشتباهات در صورت‌های مالی اصلاح شده یا با توجه به شرایط، بی‌اهمیت باشند). همچنین حسابرس مستقل مسائل مربوط به حکمرانی^{۱۱} را به متصدیان حکمرانی [ارکان راهبری] بانک اطلاع‌رسانی می‌کند. همچنین حسابرس مستقل در برخی کشورها، براساس بخشی از یک الزام قانونی و یا بر حسب عرف، گزارش تفصیلی درباره موضوعات مشخص از قبیل ترکیب مانده حساب‌ها یا سبد تسهیلات، نقدینگی و درآمدها، نسبت‌های مالی، کفایت سیستم‌های کنترل داخلی، تحلیل ریسک‌های بانکی و رعایت الزامات قانونی یا نظارتی را به مدیریت یا ناظر بانکی ارائه می‌دهد.

۲۷. در برخی کشورها، حسابرس مستقل ملزم است بی‌وقفه هرگونه واقعیت یا تصمیمی را که احتمال دارد:

- نقض عمده‌ای در قوانین یا مقررات را ایجاد کند؛
 - بر توانایی بانک برای ادامه فعالیت به‌عنوان واحد تجاری در حال تداوم اثر بگذارد؛
 - به تعدیل گزارش حسابرسی بینجامد؛
- به ناظر بانکی گزارش دهد.

نقش ناظر بانکی

۲۸. هدف کلیدی نظارت احتیاطی، حفظ ثبات و اعتماد در نظام مالی و متعاقباً کاهش ریسک اعمال زیان به سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است. علاوه‌براین، نظارت اغلب با هدف تأیید و راستی‌آزمایی رعایت قوانین و مقررات حاکم بر بانک‌ها و فعالیت‌های آن‌ها، انجام می‌شود. با این حال، این مقاله بر جنبه احتیاطی نقش ناظر بانکی متمرکز شده است.

۲۹. نظارت بانکی بر پایه یک سیستم مجوزدهی استوار است که به ناظران اجازه می‌دهد جامعه هدف تحت نظارت خود را شناسایی کرده و ورود به نظام بانکی را کنترل نمایند. مؤسسات برای احراز شرایط دریافت مجوز بانکی و حفظ آن، باید الزامات احتیاطی معینی را رعایت کنند. جزئیات دقیق این الزامات ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد؛ مقررات در برخی کشورها ممکن است دقیق و با جزئیات، تعریف و در





- برخی دیگر به صورت کلی‌تر تدوین شوند و اختیارات مقام ناظر در تفسیر آن‌ها بیشتر باشد. با این حال در بیشتر سیستم‌های نظارتی، الزامات پایه‌ای زیر برای دریافت مجوز بانکی در نظر گرفته می‌شود:
- بانک باید دارای سهامداران و اعضای هیأت‌مدیره مناسب باشد (این مفهوم شامل انسجام [درستکاری] و ثبات در فضای کسب و کار و همچنین توانمندی مالی همه سهامداران عمده است)؛
 - مدیریت بانک باید صادق و قابل‌اعتماد باشد و مهارت‌ها و تجربه مناسب برای اداره بانک به شیوه‌ای سالم و محتاطانه را دارا باشد؛
 - ساختار سازمانی و کنترل داخلی بانک باید با برنامه‌ها و راهبردهای کسب‌وکار آن سازگاری داشته باشد؛
 - بانک باید دارای ساختار قانونی متناسب و هم‌راستا با ساختار عملیاتی خود باشد؛
 - بانک باید سرمایه کافی برای تاب‌آوری در برابر ریسک‌های ذاتی ناشی از ماهیت و اندازه کسب‌وکار خود را داشته باشد؛
 - بانک باید نقدینگی کافی برای مواجهه با خروج وجوه مالی از بانک را دارا باشد.
۳۰. الزامات بیشتر و تفصیلی‌تر برای تأمین سرمایه و نقدینگی بانک، همچون نسبت‌های عددی مربوط به حداقل کفایت سرمایه و نقدینگی بانک، از پیش مقرر شده است. با این حال، صرف‌نظر از شکل^{۱۲} دقیق مقررات، هدف آن‌ها تعیین شرایطی است که اطمینان حاصل شود بانک کسب‌وکار خود را به شیوه‌ای محتاطانه اداره می‌کند و منابع مالی کافی برای غلبه بر شرایط نامساعد و حفاظت از سپرده‌گذاران در برابر زیان را در اختیار دارد.
۳۱. اکثر ناظران بانکی علاوه بر صدور مجوز برای بانک‌های جدید، این اختیار را دارند که هرگونه پیشنهاد جهت انتقال مالکیت عمده یا منافع کنترلی در بانک‌های موجود به طرف‌های دیگر را بررسی و رد کنند.
۳۲. نظارت مستمر بانکی معمولاً بر مبنای ارائه توصیه‌ها و رهنمودها انجام می‌شود. با این حال، ناظران بانکی دارای اختیارات قانونی هستند که در صورت عدم رعایت الزامات احتیاطی توسط بانک مورد نظر، در مواقعی که نقض قوانین یا مقررات رخ دهد یا در مواردی که سپرده‌گذاران با ریسک قابل توجه زیان مواجه شوند، اقدام اصلاحی به موقعی را انجام دهند. در شرایط بحرانی، ناظر ممکن است اختیار ابطال مجوز بانک را نیز داشته باشد.
۳۳. یکی از پایه‌های نظارت احتیاطی، کفایت سرمایه است. در بیشتر کشورها، الزامات حداقل سرمایه برای تأسیس بانک‌های جدید وجود دارد و آزمون‌های کفایت سرمایه، یکی از عناصر همیشگی در نظارت مستمر است. کمیته بال در بسته مشورتی با عنوان «توافق‌نامه جدید سرمایه بال» که در ژانویه ۲۰۰۱ منتشر کرده است، چارچوبی برای کفایت سرمایه بر مبنای سه رکن مکمل پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: حداقل الزامات سرمایه، فرآیند بازبینی نظارتی و انضباط بازار.
- رکن نخست، حداقل الزامات سرمایه را برای سه دسته کلی از ریسک‌ها تعریف می‌کند: ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی.





- رکن دوم، فرآیند بازبینی نظارتی است و بر این اصول استوار است که بانک‌ها باید توانگری مالی کافی متناسب با پروفایل ریسک خود را دارا باشند. همچنین، ناظران باید توانایی الزام بانک‌ها برای نگهداری سرمایه بیش از حداقل‌های تعیین شده را داشته باشند. در این راستا، بانک‌ها باید کفایت سرمایه خود را به‌طور داخلی و مستمر، بر مبنای پروفایل ریسک جاری و آتی خود، ارزیابی کرده و ناظران نیز باید رویه ارزیابی کفایت سرمایه داخلی بانک‌ها را بازبینی نمایند. سرانجام، ناظران باید با در نظر گرفتن ماهیت نسبتاً غیرنقدشونده بیشتر دارایی‌های بانکی و گزینه‌های محدودی که بیشتر بانک‌ها برای افزایش سریع سرمایه در اختیار دارند، مداخله زودهنگام داشته باشند.
- رکن سوم، با عنوان انضباط بازار، در واقع نقش فعالان بازار را در ترغیب بانک‌ها به نگهداری سطوح کافی سرمایه تقویت می‌کند. در این راستا، بانک‌ها موظفند اطلاعات کمی و کیفی درباره سرمایه و پروفایل ریسک خود را افشا کنند.

۳۴. بانک‌ها در معرض انواع گوناگونی از ریسک‌ها قرار دارند. ناظران دامنه‌ای از ریسک‌های بانکی شامل ریسک اعتباری، ریسک بازار (شامل ریسک نرخ بهره و ارز)، ریسک نقدینگی و تأمین مالی، ریسک عملیاتی، ریسک قانونی و ریسک شهرت را پایش می‌کنند و در صورت لزوم آن را محدود می‌سازند. همچنین، ناظران تلاش مضاعفی را به عمل می‌آورند تا سیستم‌های سنجش و اندازه‌گیری را توسعه دهند و از این طریق، میزان مواجهه با ریسک‌های خاص (برای مثال، ریسک‌های مرتبط با ابزارهای مالی مشتقه) را ثبت کنند. این سیستم‌ها اغلب مبنایی برای اعمال کنترل‌ها یا محدودیت‌های خاصی بر انواع مختلف از مواجهه با ریسک قرار می‌گیرند.

۳۵. مهمترین ریسک بانکی از حیث تجربه تاریخی زیان بانک‌ها، ریسکی است که مشتری یا طرف مقابل، تعهد خود را به ارزش کامل در سررسید یا در هر زمان پس از آن (که گاهی از آن با عنوان ریسک اعتباری یاد می‌شود) تسویه نکند. هدایت سیاست‌های تسهیلات‌دهی بانک‌ها بر عهده ناظر بانکی نیست، اما برای ناظر ضروری است که از وجود نظام سالم مدیریت ریسک اعتباری در بانک، اطمینان کسب نماید. همچنین، ناظر با بررسی اثربخشی سیاست‌ها و رویه‌های بانک برای ارزیابی کیفیت تسهیلات به دنبال آن است که اطمینان یابد میزان تعیین ذخایر خاص و عام با روش‌ها و قضاوت‌هایی که مدیریت برای محاسبه ذخایر به کار می‌گیرد، به گونه‌ای باشد که برای پوشش زیان‌های اعتباری برآورد شده، به‌موقع و مطابق با سیاست‌ها و رویه‌های مناسب، از کفایت لازم برخوردار باشد.

علاوه‌براین، ناظر به دنبال حصول اطمینان از آن است که ریسک اعتباری به‌طور کافی از طریق قواعدی برای محدود کردن مواجهه با ریسک‌ها، از حیث وام‌گیرندگان حقیقی، بخش‌های صنعتی یا تجاری همچنین کشورها یا مناطق اقتصادی خاص، متنوع‌سازی شده باشد.

۳۶. اگرچه ارزیابی کیفیت تسهیلات و سایر دارایی‌های بانک دشوار است، اما یکی از حیاتی‌ترین عوامل تعیین‌کننده وضعیت مالی آن است. بر این اساس، ارزش‌گذاری دقیق و محتاطانه دارایی‌ها برای ناظران از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا تأثیر مستقیم بر تعیین مبلغ سرمایه گزارش شده توسط بانک دارد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سرمایه به‌طور گسترده به‌عنوان معیار نظارتی به حساب می‌آید که مواجهه با ریسک‌ها بر مبنای آن اندازه‌گیری یا محدود می‌شود. اگرچه ارزش‌گذاری صحیح دارایی‌ها یکی از مسئولیت‌های اصلی مدیریت است، اما فرآیند ارزش‌گذاری اغلب با قضاوت همراه است. به‌طور کلی، ناظر بجز اینکه ارزیابی خود از





این فرآیند را برای تعیین دقت و انطباق آن با سیاست‌ها و رویه‌های مستند انجام می‌دهد، تا حد زیادی به قضاوت مدیریت درباره ارزش‌گذاری صحیح دارایی‌ها و اینکه ارزش‌گذاری‌های مندرج در صورت‌های مالی مورد حسابرسی مستقل قرار گرفته باشد، متکی است.

۳۷. ناظران بانکی همواره بر ضرورت برخورداری بانک‌ها از کنترل‌های داخلی متناسب با ماهیت، حوزه فعالیت و مقیاس کسب‌وکارشان، تأکید دارند. هدف از کنترل‌های داخلی، کمک به تحقق اهداف مدیریت در حصول اطمینان (تا حد امکان) از اداره منظم و کارآمد کسب‌وکار است که شامل مواردی نظیر پایبندی به سیاست‌های مدیریت، حفاظت از دارایی‌ها، جلوگیری و کشف تقلب و خطا، دقت و کامل بودن سوابق حسابداری و تهیه به‌موقع اطلاعات مالی قابل اتکاء می‌باشد.

۳۸. توسعه سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای پیشرفته بلادرنگ [در لحظه]، پتانسیل کنترل را به‌طور چشمگیری بهبود بخشیده است. اما در عوض، ریسک‌های ناشی از احتمال نقص فنی رایانه یا تقلب را به همراه داشته است. توسعه تجارت الکترونیک نیز ریسک‌های جدید قابل توجهی را با خود به همراه داشته است که به نوبه خود مستلزم اعمال کنترل‌های بیشتر است.

۳۹. ناظران بانکی در پی حصول اطمینان از این موضوع هستند که مدیریت از کفایت لازم برای ماهیت و دامنه کسب‌وکار برخوردار باشد. در محیط‌های نظارتی که بازرسی‌های حضوری به‌طور منظم انجام می‌شود، بازرسان فرصت کافی برای مشاهده نشانه‌های نواقص مدیریتی را دارند. در غیر این صورت، ناظر معمولاً ترتیبی اتخاذ می‌کند تا امکان مصاحبه با مدیریت را به‌طور منظم فراهم نموده و در صورت لزوم سایر فرصت‌ها را برای برقراری ارتباط، پیگیری نماید. صرف‌نظر از ماهیت محیط نظارتی، ناظر می‌کوشد از این فرصت‌ها برای درک برنامه‌ها و راهبردهای کسب‌وکار مدیریت و چگونگی انتظار آن‌ها برای دستیابی به این اهداف استفاده کند. به همین ترتیب، ناظر در پی کشف این موضوع است که آیا بانک از حیث مهارت‌ها و صلاحیت کارکنان و تجهیزات و امکانات موجود، برای انجام وظایف خود به‌شکلی مناسب مجهز است یا خیر. اطلاعات به‌دست‌آمده از این تماس‌ها با مدیریت، به ناظر مربوطه در شکل‌گیری نگاه وی درباره صلاحیت مدیریت کمک می‌کند.

۴۰. نظارت مؤثر مستلزم گردآوری و تحلیل اطلاعات درباره بانک‌های تحت نظارت است. برای مثال، ناظران گزارش‌های احتیاطی و اظهارنامه‌های آماری بانک‌ها را گردآوری، بررسی و تحلیل می‌کنند. این موارد شامل صورت‌های مالی مبنا و همچنین جداول پشتیبان (یادداشت‌های توضیحی) است که جزئیات بیشتری ارائه می‌کند. گزارش‌های مذکور برای بررسی رعایت الزامات احتیاطی معین به‌کار می‌روند و همچنین مبنایی برای گفت‌وگو با مدیریت بانک فراهم می‌آورند. پایش از راه دور [نظارت غیرحضوری] اغلب می‌تواند مشکلات بالقوه را، به‌ویژه در فواصل زمانی بین بازرسی‌های حضوری، شناسایی کند و از این طریق، امکان تشخیص زودهنگام و اقدام اصلاحی سریع را پیش از جدی‌تر شدن مشکلات، فراهم آورد.

۴۱. ناظران باید ابزاری برای راستی‌آزمایی اطلاعاتی که دریافت می‌کنند از طریق بازرسی‌های حضوری و یا با استفاده از حسابرسان مستقل در اختیار داشته باشند. اقدامات حضوری در این زمینه، خواه توسط کارکنان خود نهاد ناظر انجام شود و خواه توسط حسابرسان مستقلی که از طرف ناظر مامور شده‌اند، به‌گونه‌ای ساختار یافته است که به‌طور مستقل تأیید کند آیا نظام کنترل داخلی با کفایت، که معیارهای خاص مقرر شده ناظر





را برآورده می‌کند، در بانک‌ها وجود دارد یا خیر و همچنین، آیا اطلاعات ارائه‌شده توسط بانک‌ها قابل‌اتکاء است یا خیر.

۴۲. برخی مقامات نظارتی برای درک بهتر از حاکمیت شرکتی و نظام عملیاتی بانک، جلسات دوره‌ای با کمیته حسابرسی بانک یا هیأت‌مدیره آن برگزار می‌کنند. این امر فرصتی برای کمیته حسابرسی یا هیأت‌مدیره فراهم می‌آورد تا نگرانی‌های خود در رابطه با مدیریت بانک را مطرح نماید و در نتیجه، ناظر را قادر می‌سازد تا ذهنیتی درباره اثربخشی کمیته حسابرسی به‌دست آورد.

۴۳. ناظران بانکی مشتاق به حصول اطمینان در این خصوص هستند که تمام وظایف انجام‌شده توسط حسابرسان مستقلی اجرا شود که:

- دارای مجوزهای لازم بوده و خوش سابقه باشند؛
- دارای تجربه و صلاحیت حرفه‌ای مرتبط باشند؛
- تحت یک برنامه تضمین کیفیت فعالیت کنند؛
- در ظاهر و در واقعیت از بانک مورد حسابرسی، مستقل باشند؛
- واقع‌گرا و بی‌طرف باشند؛
- سایر الزامات اخلاقی قابل‌اجرا را رعایت کنند.^{۱۳}

۴۴. در برخی کشورها، ناظر بانکی دارای اختیارات قانونی در خصوص انتصاب حسابرسان مستقل نظیر حق تأیید یا عزل و حق مامور کردن یک حسابرس مستقل است. هدف از این اختیارات، اطمینان از این است که حسابرسان مستقلی که بانک‌ها منصوب می‌کنند، دارای تجربه، منابع و مهارت‌های لازم متناسب با شرایط باشند. در مواردی که دلیل روشنی برای تغییر حسابرس مستقل وجود نداشته باشد، ناظران معمولاً شرایطی را که موجب عدم تمدید انتصاب حسابرس توسط بانک شده، نیز بررسی می‌کنند.

۴۵. ناظران تمایل آشکاری به کسب اطمینان از استانداردهای بالای حسابرسی بانکی دارند. علاوه‌براین، یک دغدغه مهم ناظران، استقلال حسابرس مستقلی است که حسابرسی یک بانک را انجام می‌دهد. به ویژه زمانی که حسابرس، خدمات غیرحسابرسی خاصی را نیز به آن بانک ارائه می‌دهد. براین‌اساس، آنها سعی در حفظ تماس نزدیک با نهادهای حرفه‌ای حسابرسی ملی را دارند تا مسائل مورد علاقه و مشترک طرفین را رسیدگی کنند.

رابطه بین ناظر بانکی و حسابرس مستقل

۴۶. ناظر بانکی و حسابرس مستقل از بسیاری جهات، دارای دغدغه‌های مکمل یکدیگر درباره موضوعات مشابه هستند، هرچند تمرکز دغدغه‌های آنها متفاوت است.

- در وهله نخست، ناظر بانکی نگران حفظ ثبات نظام بانکی و ترویج ایمنی و سلامت تک تک بانک‌ها به‌منظور حفاظت از منافع سپرده‌گذاران است. از این‌رو، ناظر بانکی تداوم فعالیت جاری و آتی بانک‌ها

۱۳. حسابرس استانداردهای اخلاقی ملی مربوطه و «آیین‌نامه رفتار اخلاقی برای حسابداران حرفه‌ای» منتشر شده توسط فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیین‌نامه) را رعایت می‌کند.





را پایش می‌کند و از صورت‌های مالی آن‌ها در ارزیابی وضعیت و عملکردشان استفاده می‌کند. از سوی دیگر، حسابرس مستقل، نگران گزارش‌دهی درباره صورت‌های مالی بانک است، که معمولاً یا سهامداران بانک یا هیأت‌مدیره را مورد خطاب قرار می‌دهد. حسابرس در انجام این وظیفه، مناسب بودن فرض تداوم فعالیت و به‌کارگیری این فرض توسط مدیریت را مدنظر قرار می‌دهد. حسابرس دوره ارزیابی مورد استفاده توسط مدیریت را در نظر می‌گیرد و هنگامی که آن دوره کمتر از ۱۲ ماه از تاریخ ترازنامه باشد، از مدیریت درخواست می‌کند دوره ارزیابی را به حداقل ۱۲ ماه از تاریخ ترازنامه تمدید کند. اگر مدیریت از انجام این کار امتناع کند، استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۵۷۰ (ISA570) با عنوان «تداوم فعالیت»، حسابرس را ملزم می‌کند که ضرورت اصلاح گزارش حسابرس در نتیجه محدودیت آن را در نظر بگیرد. حسابرس، همچنین از مدیریت درباره میزان آگاهی از رویدادها یا شرایطی فراتر از دوره ارزیابی که ممکن است تردیدهای عمده‌ای درباره توانایی بانک برای ادامه فعالیت به‌عنوان واحد تجاری در حال تداوم ایجاد کند، پرس‌وجو می‌نماید.

- ناظر بانکی نگران حفظ یک نظام سالم کنترل داخلی به‌عنوان مبنایی برای مدیریت سالم و محتاطانه کسب‌وکار بانک است. حسابرس مستقل، در بیشتر شرایط، نگران ارزیابی کنترل داخلی برای تعیین میزان اتکایی است که باید در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای حسابرسی بر آن نظام وجود داشته باشد.
- ناظر بانکی باید متقاعد شود که هر بانک سوابق کافی را که مطابق با سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری یکسان و سازگار تهیه شده، نگهداری می‌کند. این سوابق ناظر را قادر می‌سازد وضعیت مالی بانک و سودآوری کسب‌وکار آن را ارزیابی کند و همچنین بانک به‌طور منظم صورت‌های مالی را که وضعیت آن را به‌درستی منعکس می‌کند، منتشر نماید یا در دسترس قرار دهد. دغدغه حسابرس مستقل این است که آیا سوابق حسابداری به اندازه کافی و قابل‌اتکاء نگهداری می‌شود تا واحد تجاری [موسسه] را قادر سازد صورت‌های مالی فاقد اشتباه و دارای اهمیت را تهیه نماید و در نتیجه حسابرس مستقل را قادر سازد نسبت به آن صورت‌های مالی اظهارنظر کند.

۴۷. هنگامی که ناظر بانکی از صورت‌های مالی حسابرسی شده در جریان فعالیت‌های نظارتی استفاده می‌کند، لازم است عوامل زیر را در نظر داشته باشد:

- نیازهای نظارتی معمولاً هدف اصلی و اولیه‌ای نیست که صورت‌های مالی برای آن تهیه شده است؛
- حسابرسی مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابرسی، به‌گونه‌ای طراحی شده است که به‌طور منطقی اطمینان می‌دهد مبنی بر اینکه صورت‌های مالی، در کل، عاری از اشتباه عمده است؛
- باید اهمیت سیاست‌های حسابداری به‌کاررفته در تهیه صورت‌های مالی را در نظر داشته باشد زیرا چارچوب‌های گزارشگری مالی مستلزم به‌کارگیری قضاوت در اجرا هستند و ممکن است اجازه انتخاب بعضی سیاست‌ها یا نحوه اعمال آن‌ها را بدهند؛
- صورت‌های مالی دربردارنده اطلاعاتی است که بر مبنای قضاوت‌ها و برآوردهای مدیریتی است و توسط حسابرس بررسی شده است؛
- وضعیت مالی بانک پس از تاریخ تهیه صورت‌های مالی، ممکن است تحت تأثیر اتفاقات آتی قرار گرفته باشد؛





- با توجه به اهداف متفاوت کنترل داخلی که توسط ناظر و حسابرس مورد ارزیابی و آزمون قرار می‌گیرد؛ ناظر نمی‌تواند فرض کند که ارزیابی حسابرس در رابطه با کنترل داخلی به منظور حسابرسی، لزوماً برای دستیابی به اهداف مورد نیاز خود، کافی است؛
- کنترل‌ها و سیاست‌های حسابداری که حسابرس مستقل در نظر می‌گیرد، ممکن است همان کنترل‌ها و سیاست‌هایی نباشند که بانک هنگام تهیه اطلاعات برای ناظر بانکی به کار می‌برد.
- ۴۸. با این حال، حوزه‌های مشترک بسیاری وجود دارند که وظایف ناظر بانکی و حسابرس مستقل می‌توانند برای یکدیگر مفید باشند. مکاتبات حسابرسان با مدیریت و سایر گزارش‌های ارائه‌شده توسط حسابرسان، می‌تواند بینشی ارزشمند درباره جنبه‌های گوناگون عملیات بانک برای ناظران فراهم آورد. در بسیاری از کشورها مرسوم است که چنین گزارش‌هایی در اختیار ناظران قرار می‌گیرد.
- ۴۹. به همین ترتیب، حسابرسان مستقل نیز ممکن است بینش‌های مفیدی از اطلاعاتی که منشأ آن ناظر بانکی است، به دست آورند. هنگامی که بازرسی نظارتی یا مصاحبه با مدیریت صورت می‌گیرد، نتایج حاصل از آن بازرسی یا مصاحبه معمولاً به بانک اطلاع‌رسانی می‌شود. این ارتباطات از این منظر که ارزیابی مستقل در حوزه‌های مهمی از قبیل میزان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و سایر موضوعات مورد دغدغه نظارت ارائه می‌دهد، می‌تواند برای حسابرسان مفید باشد. همچنین ممکن است مقامات نظارتی نسبت‌ها یا راهنمایی‌های احتیاطی غیررسمی معینی را تدوین کنند که در اختیار بانک‌ها قرار می‌گیرد و می‌تواند به حسابرسان در انجام بازبینی‌های تحلیلی کمک کند.
- ۵۰. هم ناظران بانکی و هم حسابرسان مستقل هنگام برقراری ارتباط با مدیریت، از منفعی که اطلاعات مندرج در این مکاتبات می‌تواند برای طرف مقابل به همراه داشته باشد، آگاه هستند. از این‌رو، ارائه این نوع اطلاع‌رسانی به صورت مکتوب، مفید است تا به‌عنوان بخشی از سوابق بانک ثبت شده و طرف دیگر امکان دسترسی به آن‌ها را داشته باشد.
- ۵۱. به‌منظور نظرداشت به دغدغه‌های هر دو طرف درباره محرمانگی اطلاعات کسب شده در حین انجام وظایف مربوطه، مرسوم است در صورت لزوم تماس میان ناظر بانکی و حسابرس مستقل، مدیریت بانک نیز حضور داشته یا حداقل از این موضوع مطلع باشد. توصیه می‌شود تدابیر مناسب و به‌هنگام اتخاذ شود تا حسابرسان مستقل بابت اطلاعاتی که با حسن‌نیت و مطابق با قوانین و مقررات قابل اجرا به مقامات نظارتی افشا می‌کنند، مسئول شناخته نشوند. این تدابیر می‌تواند به‌شکل ابتکارات قانونی یا توافقی میان بانک، مدیریت آن، حسابرس مستقل و مقام نظارتی برقرار شود. لازم به ذکر است این موضوع هنگامی مصداق دارد که حضور مدیریت، گفت‌وگوها را به مخاطره بیاندازد. به عنوان مثال، هنگامی که حسابرس معتقد است، رفتار متقلبانه از سمت مدیریت وجود دارد.
- ۵۲. استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۲۶۰ (ISA260)، با عنوان «اطلاع‌رسانی موضوعات حسابرسی به مسئولان حاکمیتی»، موضوعات مورد علاقه در حوزه حکمرانی را شناسایی می‌کند و حسابرسان را ملزم می‌نماید این موضوعات را به‌موقع به مسئولان حاکمیتی اطلاع‌رسانی کنند.^{۱۴} موضوعات حسابرسی مورد علاقه

۱۴. معمولاً چنین موضوعاتی شامل موارد زیر است:

- رویکرد و دامنه کلی حسابرسی، از جمله هرگونه محدودیت موردانتظار بر آن، یا هرگونه الزام تکمیلی؛





حاکمیت بانک، تنها شامل مواردی است که در نتیجه انجام اقدامات حسابرسی، مورد توجه حسابرس قرار می‌گیرد. مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابرسی در انجام عملیات حسابرسی، حسابرس ملزم نیست که رویه‌های مورد علاقه حکمرانی را طراحی کند. بعضی از موضوعات حسابرسی مورد علاقه رده حاکمیتی بانک، به ویژه موضوعات نیازمند اقدام فوری از سوی ناظر احتمالاً مورد توجه ناظران بانکی نیز خواهد بود. هنگامی که چنین الزامی در چارچوب نظارتی، قانونی، مقرراتی یا یک توافق یا پروتکل رسمی مقرر شود، حسابرس چنین موضوعاتی را به موقع به ناظر بانکی اطلاع می‌دهد. در شرایطی که الزامات، توافق‌ها یا پروتکل‌هایی در این خصوص وجود ندارد، حسابرس، مدیریت بانک یا مسئولان رده حاکمیتی بانک را تشویق می‌کند تا موضوعاتی را که به قضاوت حسابرس ممکن است برای ناظر بانکی قابل توجه و حائز اهمیت^{۱۵} باشد، به موقع اطلاع‌رسانی کنند.^{۱۶} علاوه بر این، حسابرس، اطلاع‌رسانی چنین موضوعاتی به ناظر بانکی را، در موارد عدم اطلاع‌رسانی مدیران و مسئولان رده حاکمیتی بانک، حتی اگر الزامی برای این کار وجود نداشته باشد، مدنظر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، حسابرس این موضوع را در نظر می‌گیرد که آیا قانون از وی در هنگام اطلاع‌رسانی، حمایت می‌کند یا خیر.

۵۳. نمونه‌های دیگری از انواع موضوعاتی که ممکن است مورد توجه حسابرس قرار گیرد و نیازمند اقدام فوری توسط ناظر بانکی باشد، عبارتند از:

- اطلاعاتی که حاکی از قصور در ایفای یکی از شرایط لازم برای اخذ مجوز بانکی است؛
- تعارضات جدی در واحدهای تصمیم‌گیرنده یا ترک فعل غیرمنتظره یک مدیر در یک سمت کلیدی؛

- انتخاب یا تغییر سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری دارای اهمیت که اثر قابل ملاحظه‌ای بر صورت‌های مالی واحد تجاری داشته یا می‌تواند داشته باشد؛
- آثار بالقوه ریسک‌های با اهمیت بر صورت‌های مالی، مانند دعاوی حقوقی در جریان، که لازم است در صورت‌های مالی افشا شوند؛
- تعدیل‌های حسابرسی، خواه توسط واحد تجاری ثبت شده یا نشده باشند، که اثر قابل توجهی بر صورت‌های مالی واحد تجاری [موسسه] دارند یا می‌توانند داشته باشند؛
- عدم قطعیت‌های دارای اهمیت مرتبط با رویدادها و شرایطی که ممکن است تردید مهمی در خصوص توانایی واحد تجاری [موسسه] برای تداوم فعالیت ایجاد کنند؛
- اختلاف‌نظر با مدیریت درباره موضوعاتی که، در سطح جزئی یا کلی، می‌تواند برای صورت‌های مالی واحد تجاری [موسسه] یا گزارش حسابرس، حائز اهمیت باشد. این اطلاع‌رسانی‌ها شامل در نظر گرفتن این نکته است که آیا موضوع حل‌وفصل شده است یا خیر و اهمیت آن موضوع چیست؛
- تعدیل‌های موردانتظار در گزارش حسابرس؛
- سایر موضوعاتی که نیازمند توجه مسئولان رده حاکمیتی است مانند نقاط ضعف با اهمیت در کنترل داخلی، پرسش‌هایی درباره درستکاری مدیریت و تقلبی که مدیریت در آن دخیل است؛
- هرگونه موضوع دیگری که در شرایط قرارداد حسابرسی توافق شده است.

15. Urgent Interest

۱۶. الزامات شفاف در مورد ارتباط حسابرسان با ناظران بانکی در حال حاضر در بسیاری از کشورها از طریق قانون، الزامات نظارتی یا از طریق توافق‌نامه رسمی یا پروتکل تدوین شده است. این موضوع بین هر دو گروه حسابرسان و ناظران بانکی، به صورت مشترک مطرح بوده و به نفع طرفین است. در کشورهایی که فاقد چنین الزاماتی هستند، ناظران بانکی و نهادهای حسابداری تشویق می‌شوند که ابتکاراتی را در نظر بگیرند یا از تدابیر مناسبی در این زمینه حمایت نمایند.





- اطلاعاتی که نشان‌دهنده نقض عمده در قوانین و مقررات یا اساسنامه، منشور یا آئین‌نامه‌های داخلی بانک باشد؛

- قصد حسابرس برای استعفاء یا برکناری حسابرس از سمت خود؛
- تغییرات عمده نامطلوب در ریسک‌های کسب‌وکار بانکی و ریسک‌های احتمالی پیش‌رو.

همچنین در بسیاری موارد، حسابرس مستقل این موضوعات را به افراد متصدی رده‌های حاکمیتی ابلغ می‌کند.

۵۴. در تعدادی از کشورها، حسابرس مستقل مأموریت‌های خاصی را انجام می‌دهد یا گزارش‌های ویژه‌ای را مطابق با مقررات یا به درخواست ناظر بانکی منتشر می‌کند تا به ناظر در انجام وظایف نظارتی خود کمک کند. این وظایف ممکن است شامل گزارش‌دهی در موارد زیر باشد:

- آیا شرایط صدور مجوز رعایت شده است؟
- آیا سیستم‌های نگهداری سوابق حسابداری و سایر سوابق و نظام‌های کنترل داخلی کافی است؟
- آیا روش مورد استفاده بانک برای تهیه گزارش‌ها برای ناظر بانکی کافی است و اطلاعات مندرج در این گزارش‌ها، که ممکن است شامل نسبت‌های مشخص شده اعم از نسبت دارایی‌ها به بدهی‌ها و سایر الزامات احتیاطی باشد، دقیق است؟

- آیا ساختار سازمانی بر مبنای معیارهای ارائه‌شده توسط مقام نظارتی، کافی است؟

- آیا قوانین و مقررات رعایت شده است؟

- آیا سیاست‌های حسابداری مناسب رعایت شده است؟

۵۵. ناظران بانکی و حسابرسان داخلی و مستقل با یکدیگر همکاری می‌کنند تا مشارکت خود در فرآیند نظارتی را کارآمدتر و اثربخش‌تر سازند. این همکاری، نظارت را بهینه می‌سازد و در همان حال به هر یک از طرفین اجازه می‌دهد بر مسئولیت‌های خود متمرکز شود. در برخی کشورها، این همکاری ممکن است بر مبنای جلسات دوره‌ای بین ناظر و حسابرسان مستقل و داخلی استوار باشد.

درخواست‌های تکمیلی از حسابرس مستقل برای مشارکت در فرآیند نظارتی

۵۶. درخواست ناظر بانک از حسابرس مستقل برای کمک به وظایف نظارتی خاص باید در قالب یک چارچوب به خوبی تعریف‌شده، صورت گیرد که در قانون جاری و یا در توافق‌نامه قراردادی میان بانک و مقام ناظر، تعیین شده باشد. در برخی موارد ممکن است این درخواست موضوع یک قرارداد جداگانه باشند. در این شرایط، معیارهای ذیل باید برقرار باشند.

۵۷. اول، مسئولیت اصلی ارائه اطلاعات کامل و دقیق به ناظر بانکی باید بر عهده مدیریت بانک باقی بماند. نقش حسابرس مستقل، گزارش‌دهی درباره آن اطلاعات یا درباره اجرای رویه‌های [حسابرسی] خاص است. بنابراین، حسابرس هیچ گونه مسئولیت نظارتی را بر عهده نمی‌گیرد، بلکه با ارائه این گزارش، ناظر بانکی را قادر می‌سازد تا قضاوت‌های مؤثرتری درباره بانک انجام دهد.

۵۸. دوم، رابطه عادی میان حسابرس مستقل و بانک مورد حسابرسی، باید حفظ شود. اگر هیچ الزام قانونی یا ترتیب قراردادی دیگری حاکم بر فعالیت حسابرس مستقل وجود نداشته باشد، تمام جریان‌های اطلاعاتی میان





ناظر بانکی و حسابرس معمولاً از طریق بانک منتقل می‌شود (به جز در شرایط استثنایی). بدین ترتیب، ناظر بانکی از بانک درخواست خواهد کرد ترتیباتی برای دریافت اطلاعات موردنیاز خود از حسابرس فراهم آورده و چنین اطلاعاتی از طریق بانک به ناظر ارائه خواهد شد. هرگونه جلسه میان حسابرس مستقل و ناظر بانکی، جز در موارد بندهای ۵۱ و ۵۲ یاد شده، با حضور نمایندگان بانک برگزار خواهد شد و تأیید بانک پیش از آنکه حسابرس، نسخه‌هایی از مکاتبات با مدیریت و سایر گزارش‌ها را به ناظر ارسال کند، ضروری خواهد بود.^{۱۷}

۵۹. سوم، حسابرس مستقل پیش از نهایی کردن هرگونه ترتیبات با ناظر بانکی، احتمال بروز هرگونه تعارض منافع را بررسی می‌کند. در صورت وجود تعارض، باید این موارد پیش از شروع کار، به نحو رضایت‌بخشی، حل و فصل شوند، که این مهم با اخذ تأییدیه قبلی از مدیریت بانک برای انجام آن مأموریت انجام می‌گیرد.

۶۰. چهارم، الزامات نظارتی در ارتباط با اطلاعات موردنیاز باید مشخص و به روشنی تعریف شده باشند. این بدان معنا است که ناظر باید تا حد امکان، معیارهایی که عملکرد بانک بر مبنای آن‌ها قابل سنجش است را توصیف کند، تا حسابرس بتواند در خصوص آنکه آیا معیارهای مذکور تأمین شده‌اند یا خیر، گزارش دهد. برای مثال، اگر اطلاعاتی درباره کیفیت دارایی‌های مرتبط با تسهیلات موردنیاز باشد، ناظر باید معیارهای طبقه‌بندی تسهیلات را بر اساس سطح ریسک مشخص کند. به همین ترتیب، در صورت امکان، باید تفاهمی میان ناظران بانکی و حسابرسان مستقل درباره مفهوم عبارت "با اهمیت بودن" حاصل شود.

۶۱. پنجم، وظایفی که ناظر بانکی از حسابرس مستقل می‌خواهد انجام دهد، از حیث فنی و عملی، باید در محدوده صلاحیت حسابرس باشد. برای مثال، ممکن است از حسابرس درخواست شود میزان مواجهه بانک با [ریسک] یک وام‌گیرنده یا کشور خاص را ارزیابی کند. با این حال، حسابرس نمی‌تواند بدون وجود یک رهنمود شفاف و مشخص، قضاوتی در خصوص میزان مواجهه با سطحی از ریسک داشته باشد. علاوه بر این، حسابرسی‌ها در فواصل زمانی معین و نه به صورت مستمر انجام می‌شوند، بنابراین، به عنوان مثال منطقی نیست از حسابرس مستقل علاوه بر وظایف حسابرسی، انتظار داشت که ارزیابی کاملی از کنترل داخلی انجام دهد یا رعایت همه قواعد نظارتی توسط بانک را پایش نماید، مگر آنکه از طریق یک برنامه کاری مستمر در طول یک دوره زمانی انجام گیرد.

۶۲. ششم، مسئولیت حسابرس مستقل در قبال ناظر بانکی باید مبنای منطقی داشته باشد. این بدان معنا است که به جز در شرایط خاص، این وظیفه باید مکمل کار حسابرسی رایج باشد و به دلیل مهارت‌های تخصصی حسابرس مستقل و نیز پرهیز از دوباره‌کاری، به نحوی اقتصادی‌تر یا سریع‌تر از ناظر بانکی انجام پذیرد.

۶۳. سرانجام، باید ابعاد معینی از محرمانگی حفظ شوند، به‌ویژه محرمانگی اطلاعاتی که حسابرس مستقل از طریق روابط حرفه‌ای با سایر مشتریان حسابرسی به‌دست آورده است و در عین حال، در اختیار بانک یا در دسترس عموم قرار ندارد.

۱۷. بسیاری از بانک‌ها، نسخه‌های اطلاعی [مکاتبات] حسابرس مستقل با مدیریت و سایر گزارش‌های ویژه را مستقیماً در اختیار ناظر بانکی قرار می‌دهند.





۶۴. شیوه‌ای که از طریق آن نقش حسابرس مستقل گسترش می‌یابد، به ماهیت محیط نظارتی ملی [داخل کشور] بستگی دارد. برای مثال، اگر ناظر بانکی رویکردی فعال را همراه با بازرسی مکرر و دقیق دنبال کند، کمک درخواستی از حسابرس مستقل معمولاً در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، اگر سابقه اندکی از نظارت غیرمستقیم، عمدتاً بر مبنای تحلیل اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیریت بانک بر خلاف بازرسی وجود داشته باشد یا اگر منابع نظارتی محدود باشد، ناظر می‌تواند از کمک حسابرس مستقل در گردآوری اطلاعات قابل اتکاء بهره‌مند شود.

۶۵. با این حال، در حال حاضر، بسیاری از کشورها رویکرد نظارتی را به کار می‌گیرند که دربردارنده هر دو عنصر بازرسی و تحلیل اطلاعات گزارش شده، است. با افزایش پیچیدگی فعالیت بانکی، بازرسی از حیث منابع نظارتی روزبه‌روز، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. از این‌رو، به اطلاعات گزارش شده بسیاری از مقامات نظارتی که بازرسی حضوری انجام می‌دهند، اتکای بیشتری می‌شود و برای دریافت کمک در حوزه‌هایی با مهارت‌های متناسب با مهارت حسابرس، به آن‌ها روی می‌آورند.

۶۶. در گذشته، در خصوص مواردی که ناظران بانکی تنها بر تحلیل خود از اظهارنامه‌های احتیاطی متکی بوده‌اند، دریافتند که انجام درجه‌ای از بازبینی در محل، می‌تواند تدبیر حفاظتی^{۱۸} مطلوبی به شمار رود. بنابراین، در این کشورها، ناظران بیش از پیش به حسابرسان مستقل برای کمک از طریق انجام وظایف مشخص متکی هستند (رجوع شود به بند ۵۴).

۶۷. در کشورهایی که ارتباط میان حسابرسان مستقل و ناظران بانکی در یک دوره طولانی، نزدیک بوده است، پیوندی از اعتماد متقابل شکل گرفته و تجربه همکاری گسترده، هر یک از طرفین را قادر ساخته که از مزیت اقدامات طرف دیگر بهره‌مند شود. تجربه این کشورها نشان می‌دهد که تعارض منافی که حسابرسان ممکن است اصولاً به عنوان مانعی در برابر همکاری نزدیک با ناظران بانکی تلقی کنند، در عمل اهمیت کمتری می‌یابد و مانعی برای یک گفت‌وگوی مؤثر، ایجاد نخواهد کرد.

ضرورت گفت‌وگوی مستمر میان ناظران بانکی و متخصصان حرفه حسابداری

۶۸. چنانچه مقرر شود ناظران بانکی به‌طور مستمر از مزیت اقدامات حسابرسان مستقل بهره‌مند شوند، باید دغدغه‌های نظارتی خود در زمینه‌های مورد نظر را با کل بازیگران حرفه حسابداری مورد بحث قرار دهند. این امر می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای دوره‌ای در سطح ملی میان مقامات نظارتی و نهادهای حرفه‌ای حسابداری تحقق یابد. چنین گفت‌وگوهایی می‌تواند زمینه‌های دارای دغدغه مشترک را در برگیرد و همچنین برخورداری از درکی شفاف از دانش و رویکرد مقامات نظارتی درباره چنین موضوعاتی، کمک قابل‌توجهی برای حسابرسان در شکل‌دهی قضاوت‌های آگاهانه خواهد بود. در جریان چنین گفت‌وگوهایی، ناظران بانکی نیز باید فرصتی برای بیان دیدگاه‌های خود درباره سیاست‌های حسابداری و استانداردهای حسابداری به‌طور کلی و درباره رویه‌های خاص حسابداری به‌طور خاص داشته باشند. این امر به بهبود استاندارد کلی حسابداری صورت‌های مالی بانک‌ها کمک می‌کند و بر این اساس، توصیه می‌شود انجمن‌های صنفی خود بانک‌ها (برای مثال از طریق





مدیر واحد حسابرسی داخلی) نیز در بحث‌های مربوط به این موضوعات مشارکت داشته باشند، تا از در نظر گرفتن دیدگاه‌های همه طرف‌ها، اطمینان یابند.

۶۹. گفت‌وگوها میان ناظران بانکی و متخصصان حرفه حسابداری می‌تواند شامل مسائل عمده حسابرسی و مشکلات روز حسابداری از قبیل فنون حسابداری مناسب برای ابزارهای مالی تازه توسعه یافته و سایر جنبه‌های نوآوری مالی و ابزارهای بهادارسازی، باشد. این گفت‌وگوها می‌تواند به بانک‌ها در اتخاذ مناسب‌ترین سیاست‌های حسابداری کمک کند.

۷۰. هم ناظران بانکی و هم متخصصان حرفه حسابداری در دستیابی به یک رویه متحدالشکل میان بانک‌ها در به کارگیری سیاست‌های حسابداری مناسب، ذی‌نفع هستند. ناظران بانکی اغلب به دلیل قدرت و اختیارات مقرراتی خود می‌توانند تأثیری متقاعدکننده بر بانک‌ها در دستیابی به سیاست‌های متحدالشکل اعمال کنند، در حالی که حسابرسان مستقل اغلب در موقعیت مناسب‌تری برای پایش یا بازبینی نحوه اجرای واقعی چنین سیاست‌هایی قرار دارند. از این‌رو، گفت‌وگوی مستمر میان نهادهای نظارتی و متخصصان حرفه حسابداری می‌تواند به‌طور قابل توجهی در جهت هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری برای بانک‌ها در سطح ملی کمک کند.





بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معاونت تنظیم‌گری و نظارت

اداره ارزیابی و راهبردهای نظارتی